

"هدیه نوروزی" اما امت و رئیس جمهور

بالاخره امام امت با یک نهیب موسی وار، کوفسندگان خویش را در خط آورد و اشک شوق را از چشم "مقلدین عزیز" که مسجور معجزه امام عهد شده بودند، جاری ساخت. هفت تیرهای از رو بسته شده بار دیشتر بزیب عیا وردا رفت و توطئه‌ی پنهان جایگزین هل من مبارزگوشی عریان شد. "هدیه نوروزی امام" براستی موهبتی بود برای جناح‌های متخاصم و اینسان نیز بدرستی نشان دادند که شایسته ولایت فقیهند و هر زمان که امام اجازه جنگ و جدال را صادر کنند و ده پانزده روزی کلاه غیبی بسر بگذارند، دل و روده هم را بسزرون بریزند و هنگامی که ایشان بر زمین خاکسبی نزول اجلال کنند همگان خیردار در "صف واحد" به خدمت مشغول میشوند و این همان قدر برای آن "الدنگی" که ده دوازده میلیون "رای" آورده صادق است که برای آن عیاری کسه‌رای نیاورده "مدیر انقلاب" شده است.

بی شخصیتی و فرومایگی "رهبران عیان" تر از آنست که نیاز به توصیف داشته باشد. اما آنچه نیاز به تاکید دارد سرنوشت غم انگیز کسانی است که باین یا آن فرقه چشم دوخته بودند و در پناه آنان جویای رستگاری بودند. ما میدانیم که آقای بهشتی اکنون به اعوان و انصار چه میگوید و بنمیدانیم کسه آقای بنی صدر این جا خالی کردن تماشائی را برای مؤلفین خود چگونه توجیح میکند. اما اینرا میدانیم که در سخنان هردوی اینها "امید به آینده" قطعا نقش مهمی را بازی میکند. بالاخره اگر "مقلدین عزیز" را کنار بگذاریم سایر مردم میدانند که نه تفادهای حضرات از میان رفته است و نه ریشه تفادها. فرمان امام یا همه "اعجاز" خود فقط نقش حجاب اسلامی را بازی کرد. مسائل را از دیده‌های ظالمین پنهان کرد و السلام. وگرنه هم ایشان، هم پیروان آقای بهشتی و هم شرکاء آقای بنی صدر میدانند که نور آینده چندان دور نخواهد بود. ویک غیبت صغری دیگر از جانب امام ماند اما به طرفین فرصت خواهد داد که خارج از قید قواعد بازی بهر جا میخواهند بزنند. و باز اینرا البته همه میدانند که این غیبت‌های صغری بالاخره روزی به غیبت کبری خواهد انجامید. و اما از آن روز

با اینهمه باید دید شان نزول فرمان امام چه بوده است و چرا ایشان صلاح را در دخالت آشکار دیدند؟

در رهائی شماره ۶۷ دلائل شدیدی مفاصمات جناح‌های حاکمیت را توضیح دادیم و به مسئله اساسی جنگ و صلح در این رابطه اشاره کردیم. مسئله این بود که کوشش طرفین در ابراختن بار "گناه" صلح به دوش دیگری موجب شد که هیئت مذاکره دست از پای درازتر برگردد و یک امید جدیدی برای "صلح شرافتمندانه" از دست برود. پس از توافق‌های اولیه دو جناح - و با نیروهای در هر دو جناح - مبدی بر ضرورت صلح که خودنمایی از فرسایشی شدن جنگ و ندیدن امکان "پیروزی

سریع" آنچنانکه تصور میرفت بود، بنی صدر مایل بود که این جریان نیز مانند جریان رها شدن کروگانها بعهدده جناح رقیب افتد. ("آنها بودند که جنگ را آغاز کردند"). در مقابل جناح حاکم میخواست که "گناه" صلح بعهدده "سپهسالاری" که نتوانسته بود جنگ را ببرد باشد. در این میان که هر دو بهمان اندازه ذبح بودند که ملاحق هستند، پشای میانجی‌ها در هوامعلق شد و جواب آنها به تشدید عملات عراق و بمباران موشکی شهرهای جنوب داده شد. اما بالاخره چه؟

بالاخره باید امام مت وارد صحنه میشد و شد. طرفین جدال مقدم ایشان را به راستی مبارک میدانستند. هردو به تجربه دریافته بودند که مسئله را به سهولت به عهده‌ی دیگری نمیتوانند بستانند. بسیار آنرا بردو باید تحمل کنند. آنها خواهان و مشتاق صدور فرمان امام پیرامون امری بودند که خود بدان رسیده بودند. و اگر کسی آشنا به سنن اسلامی باشد میداند که وحشی هنگامی نازل میشود که زمینه پذیرش آن فراهم باشد. پیا میران باید نبض مسردم دستشان باشد وگرنه پیا میر نمیشوند.

بدین ترتیب یک امید سوخته دوباره زنده شد. هیئت مذاکره دوباره به جنب و جوش افتاد و "برادر" یاسر عرفات که نانی در هر تنور دارد راهی سفر شد. اینبار مسلما با احتیاط بیشتری به قضایا برخورد خواهد شد. هیئت مذاکره قبلا رشوس خواستهای طرفین - هم مطالبی که باید اعلام شود و هم مطالبی که باید اعلام نشود - را تعیین کرده و احتمال دبه در آوردن را کمتر کرده است. "نیت خیر" مسجل شده است، باقی مسائل میماند بعهدده شرایط و تفادات.

“هدیه نوروزی” ...

در این میان بجز “ملح” چراغ هدیه‌دانه که برای ملت به ارمغان آورده میشود چنانچه دستاورد “جزئی” نیز حاصل شد .
 اول آنکه در دوران شدت تضادها همه دیدند که امکانات حرکت نیروهای چپ از همیشه بیشتر فراهم شد. سایه چماق‌دارها کوتاهتر شد و نشان داده شد که بحث سیاسی مادر مورد امکان حرکت دموکراتیک هنگام عدم تثبیت هر بسک از جناح‌های حاکمیت درست بوده است .
 ثانياً، و این با نکته اول نیز مرتبط است، آقای بنی صدر کوشید تلخی پست کردن خود به مو، تلفین خویش را با شکر فند “آزادی عمل گروه‌های سیاسی” جبران کند. ایشان در ملاقات نهم فروردین خود با امام عنایت کرده و کسب اجازه فرمودند که آزادی به دیگران “هدیه” شود. از اینجا بگذریم که نهایت سعه صدر امام با این حد بوده است که اجازه فرمایند نمایندگان گروه‌ها مناظره کنند و کسی آنها را نکیرد (مرحبا به این درجه کشاده نظری (۱) و بگذریم از این نکته که همین شکر فند هم عملاً بخورد کسی داده نخواهد شد ولی با اینهمه “قهرمان آزادی” از اینکسب حواسته است چنین بنمایاند که بفکر فقر و فقرای “چپ” است باعث خرسندی همگان شده است. همگان بجز ما و نظائر ما که با ایشان میگوئیم آزادی “اهدائی” امام با پادرمیانی حضرت رئیس جمهور بدر آن بیچارگانی میخورد که در یوزگی آزادی میکنند. چپ‌بران آزادی را بدست خواهد آورد. و آنرا نه از طبقه حاکم بلکه علیرغم آنها کسب خواهد کرد. از نظر توده‌های مردم ما هدیه نوروزی امام - ملح - و هدیه نوروزی آقای بنی صدر - آزادی - فریب‌هایی بیش نیستند. ملح و آزادی ارت پـسـدري ذیروحي نیست و هیچ کس نیز حق خود را بصورت صدقه پذیرا نیست. هیچ کس، بجز البسته “مقلدین عزیز” و متوهمین آبدی .



چشمه‌هایی از ...

هرات، مسکو، وادینکنس ... تاریخ “توفان شن”، “ابابیل”، “ماء موریتسک”، “اله اکبر”، “چند و دندان”، تاریخ شورا بی شورا، تاریخ دعوت از سرمایه‌داران فراری است .
 تاریخ دو ساله‌ی جمهوری اسلامی، تاریخ بالا بودن “مقام والای زنان” ناخدا اعطاسای کنج مطبخ به آنان، تاریخ ناکار کسـسـردن بیگاران در اصفهان، اندیشک، ماهشهر، درود، ... تاریخ ممنوعیت فعالیت سیاسی در مدارس، تاریخ به تعطیل کشاندن دانشگاه بعنوان مرکز فساد و “بام جوشه‌ای”، تاریخ کشتار دانشجویان، تاریخ به خون کشیدن مبارزات حق طلبانه‌ی خلقهای کرد، ترک، عرب، ترکمن، ... تاریخ سرکوب اعتراضات دهقانان، تاریخ بالا کشیدن سود ویسـزهی وعیدی کارگران، تاریخ اجراج، کشتار و به زندان افکندن کارگران مبارز و انقلابی، تاریخ تار و مار کردن دهک‌داران و آلونسک نشینان، تاریخ کتاب سوزان به رسم جاهلیت، تاریخ دینتس عقاید به سک فزون و عطلسی، تاریخ کشتار کمونیستها و انقلابیون به شیوه‌ی آریامهر، تاریخ تعطیل نشریات انقلابی و مرفقی، تاریخ هجوم مغول وار به کتابفروشیها و روزنامه فروشان، تاریخ نمایش سرکوب تمام عیار نظام سرمایه‌داری است .
 تاریخ دو ساله‌ی جمهوری اسلامی، به یک کلام، تاریخ کوبه کوبه به خون کشیدن مبارزات کارگران، دهقانان، زحمتکشان، زنان دانشجویان، دانش آموزان، بیگاران، ... خلقهای ستمدیده‌ی ایران است، تاریخ دم به دم سرکوب هر صدای حق طلب، تاریخ جز به جز اشبات نخاعم نظام سرمایه‌داری کمونیستها و نیروهای انقلابی .
 تاریخ دو ساله‌ی جمهوری اسلامی، تاریخ دهن کچی به تاریخ، تاریخ تکرار جندش آور کمدی تاریخ است، تاریخی که با کفر فتنس انقلاب توده‌ها توسط حامیان جدید سرمایه آغاز شد و پایان بی شکوهش را زحمتکشان با انقلابی دگر رقم خواهند زد .

توضیح

مقالات بی امضاء نشریه‌ی رهائی منعکس‌کننده‌ی نظر عمومی سازمان وحدت کمونیستی است. سایر مقالات که با امضاء منتشر میشوند با آنکه از جنده‌ی کلی منطبق با نظرات سازمان هستند، معهدا میتوانند در پاره‌ای از جزئیات مطابق نظر همدمی اعضا آن نباشند .

لا اردیبهشت

خبرنامه کارگری

سازمان وحدت کمونیستی

شماره ۲۳ منتشر شد